فهرست مطالب:

اشاره و مقدمه بحث: 2

8. امر و نهی الزامی و امر و نهی رجحانی 2

9. واجب عینی یا کفایی 2

کفایی بین همه اعضای خانواده 2

کفایی بین والدین 3

عینی بر پدر 3

دلیل عینیت 3

دلیل کفائیت 3

10. سقوط تکلیف با فعل غیر مکلف 4

راه‌های سقوط تکلیف 4

سؤال: فعل نتیجه‌بخش 5

پاسخ استاد: 5

11. مباشرت و عدم مباشرت 5

دلالت سیره بر عدم اشتراط مباشرت 6

عدم اشتراط مباشرت در امر و نهی 6

12. تعیینی و تخییری 6

نتیجه‌گیری: 6

مباحث باقی‌مانده امر و نهی 7

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** امر به معروف و نهی از منکر/ وظایف نهادها (خانواده)

**اشاره و مقدمه بحث:**

در بحث از «امر به معرف و نهی از منکر» سه قاعده بحث شد؛

1. «امر به معرف و نهی از منکر» عمومی و همگانی؛

2. «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی؛

3. «امر به معرف و نهی از منکر» حکومتی.

تابه‌حال به این سه قاعده رسیدیم. اولی را همه بحث کرده‌اند اما دو حوزه دیگر را ما بررسی کردیم. در فروعات «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی مطالبی عرض شد و در مجموع هفت مطلب را گفتیم.

**8. امر و نهی الزامی و امر و نهی رجحانی**

مطلب هشتم این است که قاعده «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی به دو قاعده منحل می‌شود:

8.1. «امر به معرف و نهی از منکر» الزامی که امر و نهی در حوزه واجبات و محرمات است.

8.2. «امر به معرف و نهی از منکر» ترجیحی که اعضای خانواده در مسائل معطوف به مستحبات و مکروهات امر و نهی می‌شوند.

بعضی از ادله که ملاحظه کردید اطلاق داشت؛ حتی در آیه «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»(تحریم/6) احتمال شمول وجود دارد. اگر کسی بررسی کند، ادله عام دیگر هم می‌یابد. این تعبیر که در رساله حقوق امام سجاد (ع) وارد شده است که «**أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِه‏**»[[1]](#footnote-1) معونه بر اطاعت پروردگار شامل امور مستحبی هم می‌شود.

**9. واجب عینی یا کفایی**

مطلب نهم این است که این تکلیف خانوادگی «امر به معرف و نهی از منکر» آیا یک واجب و تکلیف عینی است یا کفایی؟

**کفایی بین همه اعضای خانواده**

9.1. در پاسخ باید عرض کنیم که اگر گفتیم مخاطب «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**» همه اعضای خانواده است و همه در قبال یکدیگر وظیفه دارند و حتی فراتر از «خانه» را شامل شد و اقوام را هم در برگرفت، در این صورت، این تکلیف همانند «امر به معرف و نهی از منکر» همگانی که کفایی بود، اینجا هم تکلیف کفایی است.

**کفایی بین والدین**

اما اگر گفتیم «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**» یا برخی ادله دیگر متوجه ولی و سرپرست خانواده است، دو احتمال وجود دارد:

9.2. اگر تکلیف متوجه بزرگ‌ترهای (پدر و مادر) خانواده و اولیاء باشد؛ تکلیف کفایی است در دایره محدود.

**عینی بر پدر**

9.3. اگر تکلیف فقط متوجه ولی شرعی یعنی پدر باشد؛ تکلیف «امر به معرف و نهی از منکر» یک تکلیف عینی است.

پس از نظر کفائیت و عینیت تکلیف به دایره و قلمرو مخاطب بستگی دارد و اینکه مخاطب کیست؟ آیا فرد خاص مخاطب است؟ آیا یکی از والدین (لا علی التعیین) مخاطب هستند؟ یا همه اعضای خانواده مخاطب هستند؟ تکلیف از عینی، کفایی محدود و کفایی موسع متفاوت می‌شود. به نظر می‌رسد که با توجه به ادله گذشته و قواعد عام، تکلیف متداخل داریم.

**دلیل عینیت**

بعضی از ادله متوجه پدر است؛ مانند آیات امر به نماز که می‌فرماید: «**وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا**»(طه/132) و آیه «**وَ کانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ**»(مریم/55) این آیات از نوع سوم است و مسئولیت بر عهده پدر و ولی شرعی می‌داند و دال بر عینیت تکلیف است.

**دلیل کفائیت**

بعضی از ادله عام و شامل پدر و مادر می‌شود و بعضی دیگر از ادله مانند آیه وقایه «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**» عام‌تر است و تکلیف را شامل همه اعضای خانواده می‌داند. البته چون بین ادله تخالف و تضاد نیست، بلکه متوافق هستند تخصیص در آن‌ها راه ندارد لذا تربیت به‌طورکلی و امر به معروف و نهی از منکر به‌طور خاص، چند لایه دارد؛ یک مرتبه آن، بر عینیت تکلیف بر پدر دلالت می‌کند؛ و مرتبه دیگر دال بر کفائیت آن بر والدین و اولیاء است و مرتبه آخر بر کفائیت تکلیف بین کل اعضای خانواده دلالت می‌کند.

ما بر اساس مشرب اصولی خود، در اینجا یک تکلیف نمی‌دانیم؛ از طرفی تکلیف پدر را مثال برای تکلیف کفایی هم نمی‌دانیم بلکه هر کدام در جای خود محفوظ است؛ منتهی در فرد (پدر) تکلیف مؤکد است زیرا هم به‌عنوان عضو خانواده تکلیف دارد و هم به‌عنوان ولی شرعی بودن. همه این سلسله‌مراتب، و چندین قاعده تکالیف متداخل وجود دارد؛ در برخی از مکلفان تکلیف، مؤکّد است. سلسله‌مراتب تکلیف مؤکد روی ثواب و عقاب و درجه هر کدام تأثیر دارد.

**10. سقوط تکلیف با فعل غیر مکلف**

مطلب دهم را که مکرر گفتیم و واضح است، این است که این تکلیف از تکالیفی است که یسقط بفعل الغیر.

گاهی دامنه مخاطبین اوامر و تکالیف شرعی به صورت عینی و گاهی کفایی که خود فرد باید امتثال نماید؛ نوع دیگر تکالیف وجود دارد، با اینکه عینی یا کفایی برای افراد خاص است،(بیشتر در توصلیات اتفاق می‌افتد) اما اگر غیر مکلف اقدام به انجام فعل بکند، از مکلف ساقط می‌شود. واجب کفایی توصلی با فعل غیر ساقط می‌شود؛ غیر که موجب اسقاط تکلیف می‌شود، گاهی امور طبیعی مثل زلزله است (در مثال دفن میت که بر اثر حادثه خودبه‌خود دفن شود) و گاهی افراد غیر مکلف (مانند صبی ممیز یا غیر ممیز) موجب اسقاط تکلیف می‌شود زیرا مهم حصول نتیجه است.

**راه‌های سقوط تکلیف**

پس سقوط تکلیف به یکی از سه راه قابل تحقق است:

10.1. انجام تکلیف توسط شخص مکلف؛

10.2. اتیان تکلیف توسط فرد غیر مکلف؛

10.3. تحقق موضوع تکلیف توسط عامل قهری و طبیعی.

در مانحن‌فیه، کل بحث تربیت، اقدامات تربیتی به‌عنوان وظیفه عمومی، یا وظیفه خانوادگی یا وظیفه حکومتی با فعل غیر مکلف ساقط می‌شود؛ چه تکلیف عینی باشد و چه کفایی. تفاوتی بین امر به معروف و نهی از منکر و سایر تکالیف تربیتی نیست، مهم تحقق فعل است. پدر به‌عنوان وظیفه عینی یا کفایی باید اقدام به تربیت فرزند نماید، اما اگر «اهل خیری» اقدام کرد و فرزند وی را تربیت کرد مثلاً نماز و احکام آن را آموزش داد، از پدر مکلف تکلیف ساقط می‌شود. تکلیف «امر به معرف و نهی از منکر» از همین قبیل است که با فعل غیر ساقط می‌شود.

**سؤال: فعل نتیجه‌بخش**

اگر دیگری اقدام بکند ولی به نتیجه نرسد چه؟

**پاسخ استاد:**

درصورتی‌که فعل غیر نتیجه بدهد از مکلف اصلی تکلیف ساقط می‌شود و یا اینکه از طریق عدم تأثیر فعل غیر، مکلف کشف کند که امر و نهی تأثیر ندارد. اگر احتمال بدهد که با اقدام شخص مکلف، تأثیر نماید و متربی متنبه شود، باید اقدام کند. پس اگر فعل غیر، نتیجه نداد، مکلف باید بررسی کند که آیا هنوز احتمال تأثیر وجود دارد یا خیر؟ گاهی نتیجه ندادن فعل غیر، نشانگر عدم اجتماع شرایط «امر به معرف و نهی از منکر» از جمله عدم تأثیر امر و نهی است. پس سقوط تکلیف محقق می‌شود با:

1. انجام فعل توسط مکلف؛
2. اتیان فعل توسط غیر مکلف؛
3. انتفای شرط وجوب مثلاً علم به عدم تأثیر؛
4. از بین رفتن موضوع.

**11. مباشرت و عدم مباشرت**

مطلب یازدهم که در بحث‌های قبلی هم گفته بودیم این است که آیا مباشرت شرط است یا خیر؟ آیا با تسبیب کفایت می‌کند؟

در بحث‌های تربیت به معنای عام، مباشرت شرط نیست زیرا مباحث تربیتی از اموری است که «یسقط بفعل الغیر»؛ غیر می‌تواند معلم باشد یا هر کس دیگر. تعبیر «**قوا**» و «**انک مسئول... طاعته**» اطلاق دارند؛ این تأدیب و وادار به اطاعت شدن را خود انسان انجام دهد یا به دیگری واگذار کند از طریق وکالت و ... فرقی نمی‌کند. مباشرت شرط نیست بلکه توکیل و تسبیب هم جایز است.

در فقه ما جای بحث دارد که در چه جاهایی توکیل و تسبیب جایز است؟ در مانحن‌فیه چون مباشرت خصوصیت ندارد، مهم تحقق موضوع است لذا مباشرت شرط نیست.

**دلالت سیره بر عدم اشتراط مباشرت**

در سیره اولیای الهی هم بوده که بچه را به استاد و مدرسه می‌سپردند؛ پس تسبیب جایز است مگر در مواردی که تسبیب ممکن نباشد یا خصوصیت ویژه داشته باشد. مثلاً شیر دادن مادر برای طفل خصوصیت دارد لذا مستحب است و از آداب است.

**عدم اشتراط مباشرت در امر و نهی**

در «امر به معرف و نهی از منکر» کمی با ابهام مواجه هستیم؛ اگر امر و نهی را انسان به غیر واگذار نماید، جای سؤال وجود دارد که آیا عامل مباشر و سبب، ثواب می‌برد یا عامل مباشر و مکلف؟ فعل انجام شده منتسب به سبب و وکیل است یا منتسب به مکلف و موکل؟ این بحث‌ها بیشتر خودنمایی می‌کند به خصوص در تکالیفی که موکل و سبب، خودش هم همزمان با وکالت و نیابت، مکلف هم باشد. به نظر ما اشکال ندارد که یک فعل به هر دو (سبب و مسبب ـ وکیل و موکل) نسبت داده شود؛ به هردو هم ثواب داده شود. درواقع اجتماع دو عامل است و هر دو امتثال کرده‌اند. اما در جایی که عامل مباشر مکلف نباشد، تکلیف از مکلف ساقط می‌شود.

**12. تعیینی و تخییری**

مطلب دوازدهم که اهمیت کمتری دارد، این است که «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی یک تکلیف تعیینی است یا تخییری؟ اگر کار تربیتی، با روش‌هایی غیر از امر و نهی قابل تحقق باشد، آیا می‌شود آن روش‌ها را جایگزین امر و نهی کرد؟ و یا اینکه «امر به معرف و نهی از منکر» متعین است؟

سه احتمال مفروض است:

12.1. تعیین روش «امر به معرف و نهی از منکر»؛

12.2. تخییر بین روش «امر به معرف و نهی از منکر» و روش‌های دیگر؛

12.3. تعیین روش‌های دیگر.

**نتیجه‌گیری:**

ما تا کنون قاعده ارشاد جاهل، قاعده هدایت و تربیت، قاعده «امر به معرف و نهی از منکر» را در سه سطح عموم مردم و همگانی، خانواده و حکومت بحث کردیم. بر اساس روال مرحوم صاحب جواهر پیش نرفتیم، و گرنه خیلی از مباحث را نباید می‌گفتیم.

**مباحث باقی‌مانده امر و نهی**

مباحث بعدی عبارت است از:

* وظیفه علماء در حوزه «امر به معرف و نهی از منکر»؛
* آداب «امر به معرف و نهی از منکر»؛
* روش‌های اجرایی «امر به معرف و نهی از منکر».

اگر حوصله بود و چیزی به نظر رسید انشاءالله عرض خواهیم کرد.

1. **- تحف العقول، النص، ص: 263.** [↑](#footnote-ref-1)